دریچه

سرگردانی تابستانی دانشجویان به‌دلیل نداشتن خوابگاه

● **شرق:** تعطیلات تابستان است و خوابگاه‌های دانشگاه‌های دولتی در حال تخلیه شدن، با توجه به آنچه دانشجویان می‌گویند، با فشار و تهدید و به گفته مسئولان دانشگاهی، با نرمی و ملایمت هستند.

به نظر می‌رسد تابستان امسال دغدغه ماندن در خوابگاه که تبدیل به شهر محل زندگی یا کار دانشجویان در شهرهای مختلف شده است، بیش از هر تابستان دیگری برای دانشجویان مسئله‌ساز شده است.

دانشجویان خوابگاه‌های مربوط به دانشکده فنی دانشگاه مشهد، دانشکده معماری شهید بهشتی و همچنین دانشگاه خوارزمی، با پایان ترم و شروع تابستان، در تماس‌های متعدد از ترک خوابگاه در این ایام و حتی نحوه درخواست ترک خوابگاه اعتراض داشتند که البته پاسخ مسئولان نیز به این درخواست همواره نیاز به تعمیر و بازسازی بوده است. حاج‌جباری، معاونت دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی، یکی از مسئولانی بود که در پاسخ به سؤال «شرق» مبنی بر شکایت برخی دانشجویان درباره برخورد نامناسب برای خروجشان از خوابگاه، چنین مسئله‌ای را تکذیب کرد و گفت: «از یک ماه پیش از اتمام امتحانات، روی دیوار و بیلبوردهای خوابگاه نوشته می‌شود که دانشجویان از تاریخ بعد از امتحانات خود نمی‌توانند در خوابگاه بمانند و اساسا چنین شایعاتی درباره اینکه آنها را ناگهانی بیرون کرده‌اند، درست نیست». او به روزنامه «شرق» توضیح داد: به‌عنوان مثال، دانشکده معماری از خوابگاه درخواست کرده است به دلیل ادامه امتحانات، خوابگاه را تا تاریخ ۲۰ تیر برای دانشجویان این دانشکده نگه دارند. البته با وجود تأیید معاونت دانشجویی، به نظر می‌رسد چند دانشجوی دختری که مدتی آواره خانه دوستان و آشنایان خود شده‌اند، از دانشجویان همین دانشکده بودند که به روزنامه «شرق» مدعی شدند: «ما هنوز تحویل پروژه‌هایمان باقی بود و تازه آن هم هیچ، مهم‌تر آنکه ناگهان شش صبح بلندگوها اعلام کرد باید خوابگاه را تخلیه کنید و بدون آنکه به ما قبل از آن حتی یک اطلاع کوچک هم بدهند، خیلی فوری بیرون شدیم». معاون دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی البته دلیل آن را مسائل بهداشتی و تمیزکردن خوابگاه‌ها و برای نمونه ازمیان‌بردن ساس‌ها عنوان کرد و توضیح داد: «این تنها ایامی است که خوابگاه‌ها امکان آماده‌سازی برای ترم جدید را پیدا می‌کنند و می‌توانند، مشکلات بهداشتی و تعمیرات خوابگاه‌ها را انجام دهند. در غیر این صورت، دانشجویان در ترم جدید با محیطی آلوده مواجه می‌شوند». درهمین‌حال، مدیر حوزه ریاست دانشگاه خوارزمی با بیان اینکه دانشگاه نمی‌تواند کارهای خود را تعطیل کند به دلیل اینکه برخی دانشجویان تمایل ندارند خوابگاه را ترک کنند، گفت: باید در این زمینه طبق قانون عمل شود و دانشگاه باید در مدیریت خود قاطع باشد. او نیز گفته است تابستان فرصتی برای تعمیرات و تعویض تجهیزات و سم‌پاشی و نظافت است و طبق قانون باید دانشجویان خوابگاه را خالی می‌کردند؛ اما هر بار از ما فرصت خواستند و با این عنوان که یک شب دیگر در خوابگاه بمانند، تا ۱۰ شب بیشتر از فرصت مقرر ماندند. این عجله و اقدام سریع برای خروج دانشجویان از خوابگاه‌ها، در تمام موارد دیده شده و اگرچه اعلام می‌شود که در صورت اقدام اداری، دانشجویانی که شرایط ویژه‌ای دارند، خوابگاه برای این افراد تصمیماتی اخذ می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد تعداد این دانشجویان که خواستار ماندن در خوابگاه‌های تابستانی هستند، بیش از انتظار است و شرایط پذیرفتن دانشجویانی که می‌توانند بمانند، بسیار سخت است؛ به‌طوری‌که باید از میان دانشجویان دکتری یا فوق‌لیسانس باشند و تنها شامل دانشجویانی می‌شود که ارائه پایان‌نامه آنها در تابستان و ترم تابستانه است.

ادامه از صفحه ۱۶

تئاتر روی تریلی

در بسیاری از وقت‌ها در زمان برپایی مدارس، حتی به کمک معلمان آموزشی می‌آیند و با شادی و خنده مسائل ریاضی را برای بچه‌ها حل می‌کنند. می‌گوید: «دیدن کودکان عشایری و انتظارشان با وجود شرایط زندگی برای دیدن ما و گرفتن کتاب، باورنکردنی است». چندین سال از عمر کتاب‌هایی که آنها هم مانند این کودکان و مربیان سیارشان، در کتابخانه‌های ثابت کانون جا خوش نکرده‌اند و از این‌سو به آن‌سو می‌روند تا در دستان کوچک عضوهای کانون خوانده شوند، می‌گذرد. ایده‌ای که حتی به سال‌های پیش از انقلاب و شاید تأسیس کانون بگذرد؛ زمانی که صمد بهرنگی کتاب‌هایی را در ماشین شخصی‌اش می‌گذاشت و به روستاهای نزدیک خود می‌رفت تا به کودکان کتاب‌خواندن بیاموزد. تا امروز، با توجه به آماری که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از کتابخانه‌های سیارش می‌دهد، ۵۶ ماشین سیار روستایی در سراسر کشور بین کودکان عضو، کتاب می‌چرخانند تا در اوقات بی‌کاری بسیاری از دانش‌آموزان محروم از امکانات شهری، پدرها و مادرهایشان، خواهر و برادرهای بزرگ‌تر و شاید حتی میهمان‌ها و همسایه‌ها را به خواندن کتاب سرگرم کنند.

بررسی طرح شهرک‌سازی برای زنان آسیب‌دیده در گفت‌وگو با طراح آن

تبعید به راه‌حل تکراری

شهرزاد همتی: در آخرین روزهای سال گذشته بود که زمزمه‌های «شهرک بازتوانی زنان آسیب‌دیده یا در معرض آسیب» مطرح شد. طرحی که از همان روزهای نخست مخالفت نهادهایی همچون بهزیستی و همچنین فعالان اجتماعی را به دنبال داشت. آنها می‌گفتند دوران درمان‌های جزیره‌ای و تبعیدی تمام شده، اما در تمام این مدت استانداری روی حرفش ایستاد. پس از شروع سال، دوباره صحبت‌ها درباره شهرک‌سازی شروع شد. ثریا شارقی، مدیرکل امور زنان و خانواده استانداری، در تمام این مدت تأکید داشت اکثریت قاطع کارشناسان طرح ساخت شهرک بازتوانی زنان آسیب‌دیده یا در معرض آسیب، بر ضرورت اجرای طرح تأکید داشتند. براساس مصوبه کارگروه تخصصی امور بانوان و خانواده در اسفند ۹۵ با دستور حسین هاشمی، استاندار تهران، قرار شد طرح ساخت شهرک بازتوانی زنان آسیب‌دیده یا در معرض آسیب مورد بررسی دقیق قرار گیرد. طرحی که بهزیستی به هیچ عنوان موافق اجرائی‌کردن آن نیست و آن را محکوم به شکست می‌داند. تجربه‌های پیش از این درخصوص فرستادن زنان آسیب‌دیده به مراکزی این‌چنینی چندان موفق نبوده است. بهاران و کمپ شفق از نمونه‌های شکست‌خورده این طرح هستند. زنانی که به‌اجبار به کمپ‌های ترک اعتیاد می‌روند، حاضر به حضور پس از درمان در مراکز بازتوانی هم نیستند و قانون نیز دست مجریان طرح‌های این‌چنینی را می‌بندد. مطابق قانون، متولیان تنها حق جمع‌آوری افراد معتاد متجاهر را دارند و پس از ترک و گذراندن دوره سم‌زدایی در کمپ‌ها، آنها موظف به رهاکردن این زنان هستند.

هدف ما انگیزشی است

ثریا شارقی، مدیرکل امور زنان و خانواده استانداری در گفت‌وگو با «شرق» درباره طرحی که خود پیشنهاددهنده آن است، گفت: «این روزها اظهارنظرهای غیرکارشناسی از معاون وزیر رفاه هم درباره این طرح شنیده‌ام و بسیار ناراحت شدم، ایشان بدون آنکه از جزئیات این طرح مطلع باشند، با آن مخالفت کرده‌اند، در واقع هدف ما هنوز کامل برای کسی روشن نشده». وی در ادامه با اشاره به اینکه هیچ اجباری برای حضور زنان در این شهرک‌ها وجود ندارد، گفت: «با بررسی‌های انجام‌شده در سامان‌سراها، خانه‌های امن، اورژانس اجتماعی و مراکز مداخله در بحران، به این نتیجه رسیدیم مشکلات این مراکز به دلیل بی‌برنامگی و صرفا مرکز نگهداری بودن آنهاست؛ مثلا خانه امنی که در منطقه چیتگر وجود دارد، شهرداری موظف است که این خانم‌ها را از خیابان جمع کند و تا صبح آنجا نزد خود نگهداری کند و دوباره از صبح تا شب که دوباره آنها را به مددسرا ببرد، هیچ مسئولیتی در قبال آنها ندارد و در واقع در این بازه زمانی هیچ برنامه‌ای برای آنها ندارد. شما به عنوان یک خانم چه تصوری درباره زنی با این شرایط دارید که هیچ برنامه‌ای برایش وجود ندارد؟ این زن باید در جامعه سرگردان باشد، در طول روز غیر از مسائلی مثل رفع امنیت و خورد و خوراک این زن در شهر سرگردان است».

عکس: امیر جدیدی، شرق

وی در پاسخ به این سؤال که ممکن است ایجاد چنین شهرکی شبیه مراکزی که برای مردان ساخته می‌شود، هدفش صرفا دورکردن این زنان از جامعه و تبعیدشان به جایی شبیه بازداشتگاه باشد، عنوان کرد: «آن چیزی که من در طرح دارم، اصلا شهرک را به این سمت نخواهد برد. ما زنان فراری داریم، زن روسپی، متکدیان و مادران بدسرپرست را داریم که باید برای زندگی آماده شوند. در این مراکز پیش‌بینی مهدکودک را برای مادران کرده‌ایم که فرزندشان سروسامان بگیرد، برای اینکه این زنان بتوانند به استقلال برسند، اول باید وضعیت فرزندانشان مشخص شود. ما در این مراکز، فضای انگیزشی داریم که همه را برای بازگشت به زندگی آماده کند. جامعه ما در ساختارهای موجود، هیچ‌کدام از این مسائل را پیش‌بینی نکرده». شارقی افزود: «بهزیستی نگران برچسب‌زنی به این زنان است، سؤال این است که روسپی‌بودن برای زن برچسب است یا حضورش در یک مرکز بازتوانی؟ این مرکز می‌تواند مجتمع بازتوانی زنان آسیب‌دیده یا مرکز توانمندی زنان یا خانه امید باشد، ما هیچ اصراری روی اسم نداریم».

مجرمان زن آرزوی بازگشت به زندان را دارند

شارقی در ادامه در پاسخ به این سؤال که چه ضمانت اجرائی برای عملکرد درست این مراکز وجود دارد و همچنین چه کسی قرار است مسئول اجرای این پروژه باشد، بیان کرد: «تمام ادارات در جلوبردن این پروژه دخیل هستند، از مراکز فنی‌وحرفه‌ای تا بهزیستی و تأمین اجتماعی و کمیته امداد. نهایتا مسئولیت این مجموعه را شهرداری برعهده خواهد گرفت. ساختار موردنظر این‌گونه است، اما اینکه در عمل چه اتفاقی بیفتد چیز دیگری است و البته قابل بحث است». وی در ادامه درباره نحوه تخصیص اعتبار به این مجموعه تصریح کرد: «ما فقط شکل کار را تغییر می‌دهیم. در واقع وظیفه همه ارگان‌ها در این خصوص، به جای اینکه پراکنده باشد، در یک جا متمرکز می‌شود و این مرکز خوبی خواهد شد برای اینکه ما بتوانیم خیریه‌ها را به طور یکپارچه متمرکز کنیم و شرایطی شبیه کهریزک را پیش ببریم». شارقی همچنین درباره محل جانمایی این مجموعه تصریح کرد: «محل هنوز جانمایی نشده، اما ما فکر می‌کنیم، ساخت شهرک در شهرستان‌های اطراف تهران خوب است. ما دنبال ایجاد فضای امیدبخش برای این افراد هستیم». شارقی در پاسخ به اینکه با مقاومت این افراد برای حضور در چنین مراکزی چه باید کرد نیز گفت: «ما با افرادی روبه‌رو هستیم که از خدا می‌خواهند چنین مراکزی تأسیس شود، این حرف من به‌تنهایی نیست، به گفته کارشناسان زندان زنان، بسیاری از زنان سابقه‌دار، در زمستان دوباره جرم‌شان را تکرار می‌کنند، برای اینکه به زندان برگردند و از هوا و غذای گرم استفاده کنند. از طرفی زنان باردار عمدا مرتکب جرم می‌شوند تا دوران بارداری و فارغ‌شدنشان را در زندان بگذرانند تا هزینه‌های این دوران به گردن زندان بیفتد. ما از این افراد زیاد داریم. هیچ‌کس ذاتا دلش نمی‌خواهد مرتکب جرم شود، اما روی اینکه این مراکز چقدر بتوانند عملکرد خوبی از خود نشان بدهند که به محبوبیت برسند، کار می‌شود. من ابتدا و انتهایی برای این طرح مشخص کردم. من مراکز آموزشی بازارمحور برای این افراد تعریف کرده‌ام و الگوی آن با مراکزی شبیه کمپ شفق متفاوت است. اجرای این طرح بسیار مهم است، چیزی که در ذهن ماست خیلی خوب است. اگر این کار الان انجام نشود، ۱۰ سال دیگر من به شما قول می‌دهم بدون هیچ بحث کارشناسی‌ای، این کار به‌طور خودکار انجام می‌شود. اقلیم اجتماعی ما در حال تغییر است». وی درباره اعتبارات گفت: امیدوارم این پروژه در کمیته و کارگروه تخصصی بانوان و خانواده تصویب بشود، چون ما ۱۳ کمیته ذیل مجموعه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها داریم و اگر برنامه‌ای در این کارگروه‌ها تصویب شود و درنهایت به تصویب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها برسد، خواه‌ناخواه سازمان مدیریت موظف به تأمین اعتبار برای آن مصوبه خواهد بود، و این بستگی به نگاه مسئولان استانی دارد».

دوباره چرخ را اختراع نکنیم

مسئله اصلی اینجاست که تمامی کارشناسان حوزه اعتیاد می‌دانند که با نام‌های مختلف این طرح پیش از این انجام شده و جواب مثبتی هم نداده است. لیلا ارشد، مددکار اجتماعی و مدیریت خانه خورشید، در گفت‌وگو با «شرق» بیان کرد: «این نگاه بسیار دور و غیرکارشناسی است. انگار دوستان دوباره می‌خواهند چرخ را اختراع کنند. من معتقدم که دوران جداکردن گروه‌هایی که در معرض آسیب هستند گذشته است. کلا دوران جداسازی گذشته است، حالا نوبت اجتماعی‌کردن این افراد است، ما باید در شرایط طبیعی و عادی جامعه این افراد را حمایت کنیم که آنها به زندگی برگردند. راهکارش هم دادن مشاوره و حمایت‌های حقوقی و اجتماعی و درمانی است. ما نمی‌توانیم زنان در معرض آسیب و آسیب‌دیده و زنانی را که مشکلات فراوانی دارند به بخشی از شهر تبعید کنیم و دوباره این انگ و این برچسب رویشان باشد که آنها آدم‌های بدی هستند. اینها دوباره طرد می‌شوند، درحالی‌که باید به جامعه بازگردند. پس تکلیف فرزندان آنها چه می‌شود؟ گفته‌اند وقتی نوبت مدرسه‌رفتن فرزندانشان برسد، آنها از این شهرک بیرون می‌آیند، چه اتفاقی برایشان می‌افتد؟» مدیرعامل خانه خورشید بیان کرد: «اگر در خانه‌های کوچک سازمان بهزیستی، وزارت رفاه و... و مددکار اجتماعی و روان‌شناس روی رفتار آنها نظارت کند و روان‌شناس مسائل اینها را بررسی کند به‌آرامی و قدم‌به‌قدم به رفع مشکلاتشان می‌رسیم تا آنها مهارت زندگی‌کردن انفرادی را پیدا کنند. آنها باید زندگی کنند، ولی جداکردن آنها از جامعه و بردنشان به حاشیه کمکی به آنها نمی‌کند. اینها سال‌های طولانی از عمرشان را در حاشیه زندگی کرده‌اند و با دوباره بردن آنها به حاشیه، امکانات درمانی و دارویی و آموزشی و اسکان آنها چه می‌شود. قبل از بروز این اتفاق خوب است که یک بازنگری در اقدامات این‌چنینی- که سال‌ها تجربه‌اش را داشته‌ایم- بشود که نتیجه بدهد». ارشد در پایان خاطرنشان کرد: «این هزینه‌هایی که تاکنون شده به کجا رسیده و به کجا رسید؟ حداقل تجربیات دنیا را بخوانیم، آن را با مسائل ایران بازنگری کنیم. اینکه ما بیاییم و دوباره یک چیزی که اختراع شده را از اول اختراع کنیم فایده‌ای ندارد. فکر می‌کنم نگاه به طرح‌های گذشته کمک می‌کند که طرح‌های آینده مناسب‌تر باشند». بهزیستی هم تاکنون از مخالفان سرسخت طرح شهرک‌سازی برای زنان آسیب‌دیده بوده است، انوشیروان محسنی‌بندپی، رئیس سازمان بهزیستی، درباره این طرح گفته بود: «همواره از برچسب‌زدن به افراد پرهیز می‌کنیم، معتقدم اگر چنین رویه‌ای را برای حل آسیب‌های اجتماعی در پیش بگیریم به ضرر جامعه و در تضاد با نگاه اجتماع‌محور خواهد بود و همواره دیده‌ایم که بگیروببندها در حوزه آسیب‌ها نتیجه عکس داده است». بهاران، شفق، خانه‌های میان‌راهی و جمع‌آوری‌های اجباری هربار به یک نام و یک شکل و یک طرح جدید از یکی از نهادها سر برمی‌آورند و هیچ‌کس هم نمی‌خواهد بپذیرد که برای این چرخه معیوب و رشد آمار آسیب‌های اجتماعی باید طرحی نو داشت.

انتخابات نظام‌پزشکی و نیاز جامعه پزشکی به پالایش

مهدی خسروی: پزشکان همواره از اقشار مرجع و مورد احترام مردم ایران بوده‌اند و در باور بسیاری، حرفه پزشکی مقدس و پزشک وسیله نجات انسان است؛ اما چند سالی می‌شود که چینی اعتماد مردم به جامعه پزشکی تَرَک برداشته و هرازگاهی انتقادات و شکایت‌هایی از سوی مردم به پزشکان وارد می‌شود؛ اما با انکار و بی‌تفاوتی جامعه پزشکی و سازمان صنفی آنان، این شکایت و انتقاد پاسخی درخور دریافت نکرده و این شکاف بی‌اعتمادی التیام نمی‌یابد. در آستانه برگزاری انتخابات سازمان نظام‌پزشکی، آیا زمینه و فرصت برای ایجاد تفاهم و ترمیم جایگاه پزشکی در کشور ایجاد می‌شود و آیا راهی هست که در یک فرایند برد- برد برای مردم و جامعه پزشکی، فضای حوزه سلامت آکنده از ایثار و فداکاری و قدرشناسی از آنها شود؟

هفتمین دوره انتخابات نظام‌پزشکی جمعه، ۳۰ تیر، به طور هم‌زمان در ۱۹۹ حوزه به دو صورت حضوری و الکترونیکی در سراسر کشور برگزار می‌شود. در این دوره از انتخابات پنج‌هزارو ۱۷۰ نفر در سراسر کشور کاندیدا شده‌اند و در تهران نیز ۱۷۹ عضو جامعه پزشکی برای تصاحب کرسی‌های هیئت‌مدیره نظام‌پزشکی با یکدیگر به رقابت خواهند پرداخت. درحالی‌که سازمان نظام‌پزشکی ایران عنوان قدیمی‌ترین و یکی از پرجمعیت‌ترین سازمان‌های صنفی در کشور را به یدک می‌کشد، اعضای آن که اکنون به بیش از ۲۵۰ هزار نفر در کشور رسیده‌اند، مشارکت بسیار پایینی در انتخاب نمایندگان خود در سازمان نظام‌پزشکی داشته‌اند. به‌عنوان نمونه در انتخابات دور قبل، میزان مشارکت در تهران حدود ۱۰ درصد اعلام شد و میانگین مشارکت کل اعضای جامعه پزشکی کشور نیز حدود ۲۵ درصد (یک‌چهارم) واجدان شرایط بود.

با توجه به وظایف و اختیاراتی که قانون بر عهده سازمان نظام‌پزشکی قرار داده، این سازمان باید برای تحقق منافع اعضای جامعه پزشکی و حفظ سلامت مردم به صورت توأم تلاش کند و شاید از معدود سازمان‌های صنفی است که وظایف حاکمیتی نظیر نظارت بر فعالیت ارائه‌دهندگان خدمات سلامت، تبلیغات حوزه سلامت و حتی بررسی و رسیدگی به شکایات در حوزه درمان را مطابق قانون عهده‌دار شده و برهمین‌اساس، نتایج انتخابات و جهت‌گیری‌های این سازمان به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر وضعیت سلامت جامعه تأثیرگذار است. برای اینکه اثرات مشارکت پایین اعضای جامعه پزشکی ملموس‌تر شود، در نظر داشته باشید که دکتر علیرضا زالی در دوره گذشته تنها با کسب هزارو ۹۱۷ رأی، به‌عنوان نفر اول حوزه انتخابیه تهران وارد هیئت‌مدیره نظام‌پزشکی شد و به‌عنوان رئیس کل، یعنی بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و اجرائی این سازمان انتخاب شد. البته این روند از نظر قانونی مشکلی ندارد؛ اما به‌سختی می‌توان گفت فردی با این میزان رأی بتواند داعیه نمایندگی بیش از ۲۵۰ هزار عضو جامعه پزشکی را داشته و در چانه‌زنی‌های سیاسی و صنفی مرتبط با سیاست‌گذاری‌های حوزه سلامت از پشتوانه‌ای قدرتمند و مؤثر برخوردار باشد.

هفتمین دوره انتخابات نظام‌پزشکی کشور، در حالی برگزار می‌شود که اتفاقاتی نظیر فوت عباس کیارستمی و بی‌نتیجه‌ماندن پرونده پزشکی وی، ماجرای کشیدن بخیه صورت کودک خمینی‌شهری، اعتراضات به سریال در حاشیه، واکنش شتاب‌زده سازمان نظام‌پزشکی به قتل پزشک اردبیلی، افزایش دریافت زیرمیزی از سوی برخی پزشکان و مواردی دیگر باعث شده پزشکان در معرض انتقادات بی‌سابقه‌ای از سوی جامعه قرار گرفته و افکار عمومی خواستار برخورد قاطع با پزشکان خاطی و جلوگیری از تجاری‌سازی رابطه پزشک و بیمار باشند؛ اما بسیاری بر این باورند که سازمان نظام‌پزشکی با نادیده‌گرفتن حقوق بیماران و منافع مردم، با لابی‌های گوناگون جانب اعضای خود را می‌گیرد و پاسخ‌گوی اعتراضات بیماران نیست.

نکته اینکه اعضای جامعه پزشکی نیز در اغلب موارد این‌چنینی، سازمان نظام‌پزشکی را متهم به کوتاهی در حمایت از پزشکان و کادر درمان می‌کنند و در نهایت به نظر می‌رسد این سازمان در ایجاد موازنه بین مطالبات اعضای خود و عموم مردم که در قبال آنها مسئولیت دارد، چندان موفق عمل نکرده است.

همین موضوع، چالش جدیدی پیش‌روی کاندیداهای انتخابات نظام‌پزشکی در تبلیغ برنامه‌هایشان ایجاد کرده و اعضای جامعه پزشکی به صورت یکپارچه خواستار ارائه برنامه مشخص برای دفاع از پزشکان در برابر هجمه‌های رسانه‌ها و مردم هستند. بسیاری از آنان معتقدند در مواردی ازجمله تعیین تعرفه‌های درمانی، دریافت مالیات، افشای فیش‌های نجومی، پرداخت کارانه در طرح تحول سلامت و پرونده‌های شکایت بیماران در حق پزشکان جفا شده و وقت آن رسیده تا با انتخاب اعضای هیئت‌مدیره قدرتمند، در برابر این هجمه‌ها و بی‌عدالتی‌ها ایستاد.

ازجمله مباحث داغ دیگری که در گروه‌های تبلیغاتی انتخابات نظام‌پزشکی به آن پرداخته می‌شود، لزوم تفکیک حوزه عملکرد رشته‌ها و تخصص‌های مختلف پزشکی است؛ به‌طوری‌که متخصصان زنان از مداخلات درمانی ماماها انتقاد دارند، رادیولوژیست‌ها از تجاوز متخصصان زنان به حوزه تصویربرداری و سونوگرافی شکایت می‌کنند و پزشکان عمومی از اغلب متخصصان به‌ویژه متخصصان پوست عصبانی هستند که اختیارات درمانی پزشکان عمومی را محدود کرده‌اند. هرکدام از این اقشار برای تصاحب کرسی‌های بیشتر در شورای‌عالی نظام‌پزشکی و گسترش فعالیت‌های درمانی و به تبع آن افزایش درآمد خود تلاش می‌کنند و فضای تبلیغاتی انتخابات نظام‌پزشکی را به صورت فرقه‌ای و براساس ذی‌نفعان مشترک مدیریت می‌کنند؛ اما در هیچ‌کدام از برنامه‌های ارائه‌شده از فهرست‌های مطرح، به اهمیت ترویج و نهادینه‌کردن اخلاق پزشکی در بین اعضای جامعه پزشکی اشاره‌ای نشده و این موضوع ریشه‌ای و محوری مغفول و متأثر از مسائل مادی و معیشتی مانده است. سازمان نظام‌پزشکی زمانی قدرتمند خواهد بود که با پشتوانه رأی بالا تشکیل شود و در اولویت اصلی به آسیب‌شناسی عملکرد این سازمان بپردازد و فرهنگ خودانتقادی را در بین جامعه پزشکی ترویج دهد تا این قشر فرهیخته به جای انکار و نگاه از بالا به پایین به مردم، برخی بداخلاقی‌ها، کوتاهی‌ها و اشتباهات خود را بپذیرد و درصدد رفع آن برآید. آنچه جامعه پزشکی کشور بیش از هر چیز دیگری به آن نیاز دارد، پالایش دامان خود از گرایش به مادیات و منافع فردی از سوی برخی از پزشکان به جای خدمت صادقانه و خالصانه بوده و بهترین وسیله برای رسیدن به این منظور، بازگشت به اصول اخلاقی این حرفه است.

ادامه از صفحه ۱۶

گسترش صنعت تهرانگردی شاه‌کلید توسعه اقتصاد شهری

...هم هویت شهر را گسترش دهد و هم با ایجاد و گسترش زیرساخت‌های لازم و بهینه‌سازی امکانات موجود، زمینه‌های راحتی و آسایش شهروندان را فراهم کند. از دیگر سو، با توجه به ذات صلح‌جویانه صنعت گردشگری و امنیت جانی و روانی مستتر در این صنعت، این صنعت زمینه‌ای مساعد را برای حضور موفق بانوان فراهم آورده است؛ اما آنچه تاکنون مانع از تحقق درآمدهای حاصل از این صنعت پرمنفعت بوده، عواملی مانند فقدان برنامه جامع و استراتژیک و همچنین مشخص‌نبودن هدف‌ها و سیاست‌های تهرانگردی در قالب یک برنامه اجرائی است. همچنین استفاده مناسب نکردن از فضای مجازی برای معرفی شهر تهران به گردشگران خارجی یکی از دلایل گسترش‌نیافتن صنعت تهرانگردی است. از دیگر سو، تطبیق و هماهنگی‌نداشتن فرهنگ جهانگردان برخی از کشورهای خارجی با فرهنگ داخلی نیز در پاره‌ای از موارد، باعث روی‌گردانی توریست‌ها از سفر به ایران بوده که این مهم در یکی، دو سال اخیر با همراهی توریست‌ها با آداب و عرف جامعه ایرانی، مشکل خاصی به نظر نمی‌رسد. یکی دیگر از چالش‌های پیش‌روی صنعت تهرانگردی، فقدان نیروی انسانی کارآزموده و متخصص امور جهانگردی در دفاتر ایرانگردی و جهانگردی و بی‌اطلاعی و بی‌تجربگی کادر شاغل در مؤسسات جهانگردی از تاریخچه تهران و اماکن دیدنی آن است. شاید برای مخاطبان جالب باشد که عنوان شود در تهران، بالغ بر ۷۰ کاخ، عمارت، موزه، بازار تاریخی، قلعه و برج وجود دارد که شاید نام خیلی از آنها برای ساکنان تهران نیز آشنا نباشد. نبود امکانات اولیه مثل اقامتگاه‌های مناسب و سرویس‌های بهداشتی مطابق استانداردهای جهانی نیز از مهم‌ترین زیرساخت‌های مورد نیاز برای توسعه صنعت تهرانگردی است. به منظور ایجاد سازوکار اجرائی برای برخورد مناسب با این‌گونه چالش‌ها و ایجاد زمینه مناسب برای گسترش پایدار صنعت تهرانگردی، ایجاد یک نهاد هماهنگ‌کننده با همکاری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و شهرداری تهران می‌تواند در زمینه آموزش کادر مجرب، ایجاد هماهنگی بین ارگان‌های اجرائی مانند تاکسی‌رانی، اتوبوس‌رانی، مترو، سازمان هتل‌ها، موزه‌ها، متولیان اماکن تفریحی و سرگرمی و... گام برداشته و زمینه‌های ترقی این بخش مهم از اقتصاد شهری در تهران را فراهم کند.

علاءالدین
Alaedin.travel
عمده فروش خدمات گردشگری داخلی و خارجی
پنجشنبه هر هفته با پرواز نوردویند
تور روسیه
۴ شب هتل ۵ ستاره کمپینسکی
سنت پترزبورگ
بهترین دسترسی هتل در کنار موزه ارمیتاژ
۳ شب هتل ۵ ستاره ماریوت
مسکو
بهترین دسترسی هتل به خیابان آربات قدیم و جدید
۶ روز گشت کامل
صبحانه + ناهار
تور لیدر (فرودگاه تا فرودگاه)
ساعات کاری شنبه تا چهارشنبه ۹ الی ۲۴
پنجشنبه ۹ الی ۱۸
جمعه و تعطیلات ۱۲ الی ۱۸
چهار راه فرمانیه، برج آرتمیس فرمانیه
۰۲۱- ۷۴۴۹۵